

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبا هنگ راد

۲۳ سپتمبر ۲۰۱۹

سرکوب، پاسخ نظام به کارگران هپکو اراک

به طور یقین تعرض به معیشت کارگران هپکو از جانب صاحبان تولیدی و ارگان‌های سرکوب و حافظ بقای امپریالیستی، تک‌نمونه نیست. هزاران مورد را می‌توان در زیر آورد که اتفاق چنین واقعه تأسف‌باری، حاصل سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی، نسبت به حق و حقوق ابتدائی کارگران و دیگر ستمدیدگان است. اگرچه این‌روزها پخش اعتراضات کارگری و توده‌نی و به دنبال آن تعرض افسار گسیخته و وحشیانه ارگان‌های سرکوب، به سر تیتیر بنگاه‌های تبلیغاتی نظام تبدیل شده است؛ اما روشن است که جامعه کارگری به همراه دیگر اعتراضات توده‌نی، با این‌دست حوادث، بسیار آشناست و دهه‌هاست که در تیررس و در معرض حمله نهادها و دم و دستگاه‌های رژیم قرار دارند.

در حقیقت ممیزه حکومت‌مداران و دولت‌مردان ایران، در استثمار وحشیانه و در تعدی به خواست‌های اولیه کارگران و محرومان است. نظام جمهوری اسلامی به موازات سرکوب عریان و عنان گسیخته، در صدد انحراف و "آرام" کردن جوش‌های اعتراضی کارگری و توده‌نی‌ست. در این اثناء نهادهای متفاوت و بی‌ربط کارگری را در میادین تولیدی به کارگران تحمیل کرده‌اند تا مانع رادیکالیزه شدن آنان گردند؛ کارگر را به شلاق می‌بندند تا از طرح مطالباتش پس زنند؛ حقوقش را بالا می‌کشند تا بر خزانه خود بیفزایند. این‌ها از جمله ویژگی‌های نظام در قبال خواست‌های سیاسی - صنفی طبقه کارگر است و برآستی که در این چهار دهه، سران حکومت لحظه‌ای از انجام وظایف ضد کارگری‌شان باز نمانده‌اند.

البته همانطور که آمد نه تنها جامعه کارگری، بسا که تمامی اقشار محروم و ستمدیده، در معرض ستم مستقیم ارگان‌های سرکوب حافظ بقای امپریالیستی‌اند. متأسفانه هیچ قشر و یا صنفی از آماج حمله، از استثمار و از اجحاف دم و دستگاه‌های نظام بدور نیستند. همه به مانند کارگران هپکو، طعم یورش ددمنشانه ارگان‌های سرکوب و ددمنش‌های نظام را چشیده‌اند و آشکار شده است که سرمداران رژیم جمهوری اسلامی هیچ حق و حقوقی برای کارگران قائل نیستند. مزد کار انجام شده کارگران را نمی‌دهند و مدت‌هاست که مبارزه برای حقوق معوقه، به یکی از سر تیتیرهای بازخواهی طبقه کارگر ایران تبدیل گشته است.

برآستی عجب جامعه‌ای را دولت‌مردان و سرمایه‌داران برای میلیون‌ها کارگر ساخته‌اند. استثمارشان می‌کنند و حاضر به پرداخت پول اندکشان نیستند؛ سال‌هاست از پرداخت دست‌مزدهای‌شان سر باز می‌زنند تا اقتصاد فرتوت‌شان را سر

و سامان دهند؛ دستگیر و شکنجه‌شان می‌کنند تا او را به تسلیم وادارند. همین چند هفته قبل بود که سران حکومت، کارگران هفت‌پته و دیگر فعالان کارگری را به‌جرم‌های سنگین محکوم کرده‌اند و چند روز بعد و آن‌هم در تداوم سیاست‌های ضد کارگری‌شان، گاردهای ویژه خود را به جان کارگران هیکو اراک انداخته‌اند. یعنی این که استثمار وحشیانه و عدم پرداخت حقوق ناچیز کارگران، و در ادامه دستگیری و سرکوب کارگران، به رویه و به رسم و رسوم کارخانه‌داران و دولت حامی آنان تبدیل شده است. البته قرار بر این نبوده و نیست تا کارگر از قبل کار انجام شده، حقوق مناسب و یا به موقع دریافت کند؛ قرار بر این نبوده و نیست تا دولت "اعتدال"، از حقوق محرومان و کارگران دفاع کند؛ و بالاخره قرار بر این نبوده و نیست تا ارگان‌های سرکوب طبقه سرمایه‌داری، در برابر اعتراضات بحق کارگران و زحمت‌کشان، از خود نرمش نشان دهند و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت باشند. به این علت که وظیفه‌شان برقراری نظم و ترتیب سرمایه‌داران و صیانت از جامعه متعلق به خودی‌های‌شان است؛ چرا که در ایران زیر سلطه نظام امپریالیستی، هر اعتراض بدیهی همچون مبارزه برای حقوق معوقه، جرم به حساب آمده و عاقبت آن، همانا سرکوب از نوع کارگران هیکو اراک است. آری دولت "اعتدال" نزدیک به ۳۰ تن از کارگران هیکو را دستگیر و بیش از ۲۰ تن دیگر را زخمی نموده است تا به زعم خویش از عمق خشم و نفرت کارگران نسبت به سرمایه‌داران بکاهد.

پُر واضح است که سردمداران نظام با اتخاذ سیاست‌های خشن و عریان در پی تخطئه هرگونه مبارزات اعتراضی کارگری‌اند و بر آنند تا با یورش وحشیانه، جامعه کارگری را در جهت آمال و آرزوهای‌شان سازمان دهند؛ اما و در عوض کارگران علی‌رغم تعرضات دائمی و رودرروی ارگان‌های سرکوب نظام، از طرح مطالبات‌شان پاپس نکشیده‌اند و پاسخ روشن خود را به منادیان سرمایه و دولت‌های حامی آنان - و آن‌هم در دوره‌های متناوب - داده‌اند. طبقه کارگر با مخالفت و با اعتراضات ممتد خود، ماشین استثمار را در میادین تولیدی باز داشته است، جاده‌ها و خیابان‌ها را برای سرمایه‌داران ناامن کرده است، به مقابله با ارگان‌های سرکوب نظام برخاسته است و با تمام وجود خواهان حق و حقوق به غارت بُرده خویش از جانب استثمارگران و دولت حامی آنان می‌باشد.

مسئلاً دلیل چنین اوضاعی، ربط مستقیمی به موقعیت زندگی وخیم و همچنین به خشم و نفرت کارگران، نسبت به سیاست‌های چپاول‌گرانه و استثمارگرانه کارفرمایان، صاحبان تولیدی و دولت‌های حامی آنان دارد. کارگر نسبت به بی‌حقوقی‌اش معترض است و در مقابل هیچ مرجع، انجمن و یا نهاد ذیصلاحی، حامی وی نیست. همه آن‌ها و من‌حیث‌المجموع، سرشان به کارفرمایان، صاحبان تولیدی و به ویژه به دولت وصل است. به عبارت دقیق‌تر طبقه کارگر در کشاکش طبقاتی با صاحبان تولیدی، کارفرمایان و دولت‌مداران، فاقد حامی و پشتیبانان عملیست و بی‌دلیل هم نیست که سرمایه‌داران به یاری و با همراهی ارگان‌های سرکوب و آن‌هم در ابعادی گسترده و هولناک بر حملات‌شان می‌افزایند. نظام جمهوری اسلامی با تمامی جناح‌ها و بخش‌های متفاوتش همچون "معتدل"، "میانه" و یا "بخش خصوصی" علیه طبقه کارگر اند و کمترین تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند. همه در استثمار و در بالا کشیدن حق و حقوق کارگران و در سرکوب آنان سهیم‌اند. پس هیچ تفاوتی بین استثمار دولتی و یا استثمار "خصوصی" نیست و ربط این‌دست موارد، یعنی نسبت دادن اوضاع وخیم کارگران هیکو به "بخش‌های خصوصی" که بعضاً در حول و حوش اعتراضات کارگران اراک طرح شده است، ناصحیح و مهمتر از آن انحراف از توضیح حقیقی قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه ایران است. بنابه صدها ادله، مناسبات امپریالیستی و دولت سرمایه‌داری وابسته ایران، عامل و مولد هزاران بدبختی و فلاکت طبقه کارگر و دیگر توده‌های ستمدیده است. معلوم است که جنگ و جدال طبقه کارگر با سیستم حاکم بر جامعه و آن‌هم با تمامی مدافعان و دولت‌های رنگ و وارنگ آن می‌باشد؛ مضافاً این که معلوم است بالائی‌ها و صاحبان تولیدی و استثمارگران و آن‌هم با هر تبیین و تعریفی، از آب‌شخور نظام وابسته جمهوری اسلامی امرارمعاش می‌کنند و

بنابراین تا زمانی که سران حکومت و آن‌هم به عنوان حافظان مناسبات امپریالیستی بر سر قدرت‌اند، نه تنها کمترین تغییری در زندگی میلیون‌ها کارگر و دیگر محرومان به وجود نخواهد آمد بلکه روند مخرب‌تری به خود خواهد گرفت. در هر صورت جامعه ایران به مانند دیگر جوامع سرمایه‌داری، نیاز به تغییر اساسی و ریشه‌ای دارد و علی‌اصولی زندگی مشقت‌بار کارگران هپکو اراک به مانند دیگر کارگران ایران، ربط سرراستی با مکانیزم و با مناسبات حاکم بر جامعه دارد. بدین‌ترتیب باید دانست که تعرض وحشیانه بر کارگران هپکو اراک، از آخرین آن‌ها نخواهد بود و بدون کمترین شک و شبهه‌ای، جامعه کارگری در آینده و آن‌هم در ابعادی دهشتناک‌تر با آن‌ها رودررو خواهد شد. پس یگانه راه خلاصی از چنین حالتی، به همبستگی و به یگانگی تمامی کارگران ایران و به ویژه به برخورد عملی نیروهای مدعی طبقه کارگر با ارگان‌های سرکوبگر نظام مربوط است. نظام کارگر را به شلاق می‌بندد به این دلیل که جامعه فاقد نیروی بازدارنده به طبقه کارگر است؛ ارگان‌های سرکوبگر نظام، وحشیانه اعتراضات بحق کارگرانی همچون هپکو اراک را به خاک و خون می‌کشانند، به این علت که سازمان متناسب با قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه، از ارائه نقش و وظایف کمونیستی‌اش باز مانده است؛ اوضاع و روندی که متأسفانه نزدیک به چهار دهه است بر فضای جامعه ایران سیطره انداخته و باعث ماندگاری سران حکومت جمهوری اسلامی شده است. روشن است که این جامعه دل‌خواه کارگران نیست و پیداست که حکومت‌مداران و دولت‌مردان متفاوت و آن‌هم به همراه دار و دسته‌های‌شان، به درد جامعه و کارگران نخواهند خورد و می‌باید، به مانند همه عناصر و دیگر دولت‌های وابسته، به زیر کشیده شوند تا کارگران ایران و به ویژه کارگران هپکو اراک، از دغدغه کسب حق و حقوق بدور شوند و طعم آزادی، دموکراسی و زندگی بهتر را لمس کنند. این خواست و فضائی است که کارگران ایران خواهان آنند.

۲۲ سپتامبر ۲۰۱۹

۳۱ شهریور [سنبله] ۱۳۹۸